

منظومه‌ای در علم رجال (معرفی نسخه‌ای خطی)

به کوشش ناهید باقری خرم‌دشتی^۱

پیشینه

نوعی از «تحلیل استنادی» در علوم اسلامی به عنوان «علم رجال» شناخته شده است و تاریخ آن به ابتدای ظهور اسلام باز می‌گردد. روشن است که در صدر اسلام، زمانی که برای تثبیت احکام شریعت، دلایل عقلانی و منطقی کمتر به کار می‌آمد، تنها راه پذیرفتن عقاید دینی و دستورات شرعی، پذیرش از سر تسلیم و بندگی بود. مؤمنین، تنها باید به یقین می‌رسیدند که اصول اعتقادی و احکام شرعی از ناحیه معصومین بیان شده است؛ هر چند برای درک حکمت آن احکام، دلایل منطقی و عقلی نمی‌یافتند. بدین گونه بود که به دنبال اثبات صداقت راویان احادیث می‌گشتند تا به صحت صدور سخن از معصوم، به قطعیت برسند.

کنکاش در درستی نقل قول‌ها، از ابتدای ظهور اسلام مورد مذاقه قرار گرفت و قوانینی برای تشخیص سخنانی که واقعاً گفته معصومین بود، وضع گردید تا ادعاهای راست از دروغ قابل تشخیص باشد و کم کم قوانین علم رجال، بین علوم حدیث شکل گرفت.

ارجوزه، نوعی از نگارش کتاب‌های رجالی

یکی از سبک‌های یادگیری آسان‌تر و یادآوری سریع‌تر قواعد، به نظم کشیدن مبانی هر علمی است؛ به ویژه اشعاری که در بحر رجز، با مصراع‌های کوتاه سروده شده باشند، جایگاه ویژه‌ای دارند که «ارجوزه»

۱. عضو هیأت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

نامیده می‌شوند.^۱

سبک نگارش کتاب‌های علم رجال، متعدد و متنوع است. در این میان، به چندین ارجوزه نیز پرداخته شده است. گزارش برخی از آنها در کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» آمده است که مرحوم آقا بزرگ، نسخه‌ای از آن را روایت نموده است؛ از جمله:

-- ارجوزه سید احمد بن محمد بن علی بن سیف الدین حسنی حسینی بغدادی، معروف به عطار (- ۱۲۱۵ق.) گزارش آغاز آن در الذریعه موجود است، اما مطابق با نسخه مورد بحث این نوشتار نیست.
-- ارجوزه مختصری که منضم به ابتدای کتاب «من لا یحضره الفقیه» است و نسخه خطی آن در کتابخانه سپهسالار، به شماره ۱۸۷۴ موجود است.

-- ارجوزه سید حسن بن سید رضا بروجردی (- ۱۲۷۶ق.)

-- ارجوزه سید محمد رضا بن ابی‌القاسم حسینی استرآبادی حلی (- ۱۳۴۶ق.) به نام «نهایة الآمال»؛ ابتدای آن موجود است، ولی با نسخه مورد بحث، منطبق نیست.

-- ارجوزه سید عبدالحسین بن علی حسینی آل کمونه نجفی بروجردی (- ۱۳۳۶ق.)

-- ارجوزه شیخ عبدالرحیم بن محمد علی تستری (- ۱۳۱۳ق.)

-- ارجوزه شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی (- ۱۱۳۵ق.) به نام «تحفة الرجال» یا «زبدة المقال» (۳)^۲

معرفی نسخه خطی حاضر

در بخش کتاب‌های خطی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، نسخه خطی به شماره ۶۹۰۳-۵ موجود است، در صفحات ۹۸-۱۰۲ آن نسخه، منظومه‌ای در علم رجال کتابت شده که در الذریعه گزارش نشده است.

در این نسخه، نُه رساله کتابت و صحافی شده است، به این شرح:

۱- ریحیق المختوم؛ ۲- رساله در عروض؛ ۳- رساله در عروض؛ ۴- سلم السماء؛ ۵- شرح هدایه ملاصدرا؛ ۶- رساله در معراج حضرت رسول (ص)؛ ۷- منظومه در اوامر؛ ۸- منظومه در علم رجال و ۹- شرح بعض احادیث.

این نسخه، دست‌نوشته مؤلف آن است و به گواهی قرآینی، احتمال این هست که تمامی نسخه، پرداخته «محمد باقر بن مرتضی طباطبایی یزدی» باشد.

۱. ر. ک: لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین.

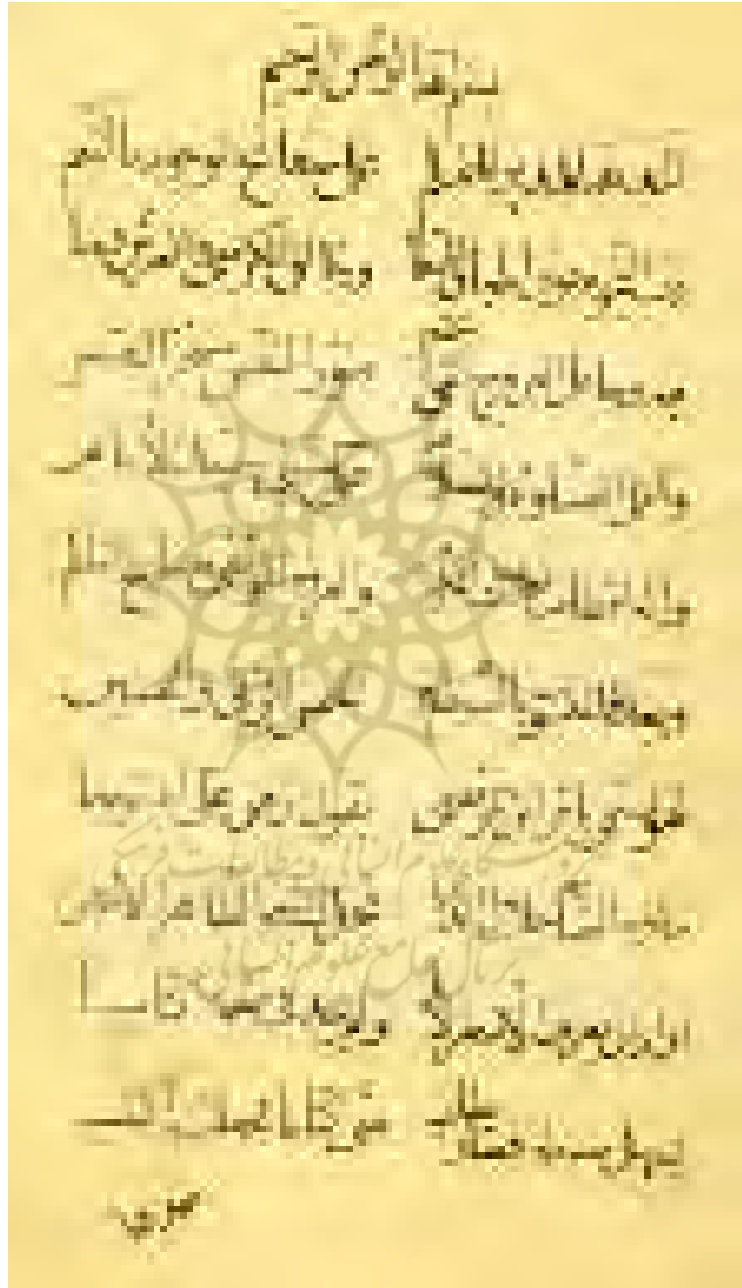
۲. آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۷۲.

دلایل انتساب منظومه رجالی به «محمدباقر طباطبایی یزدی»

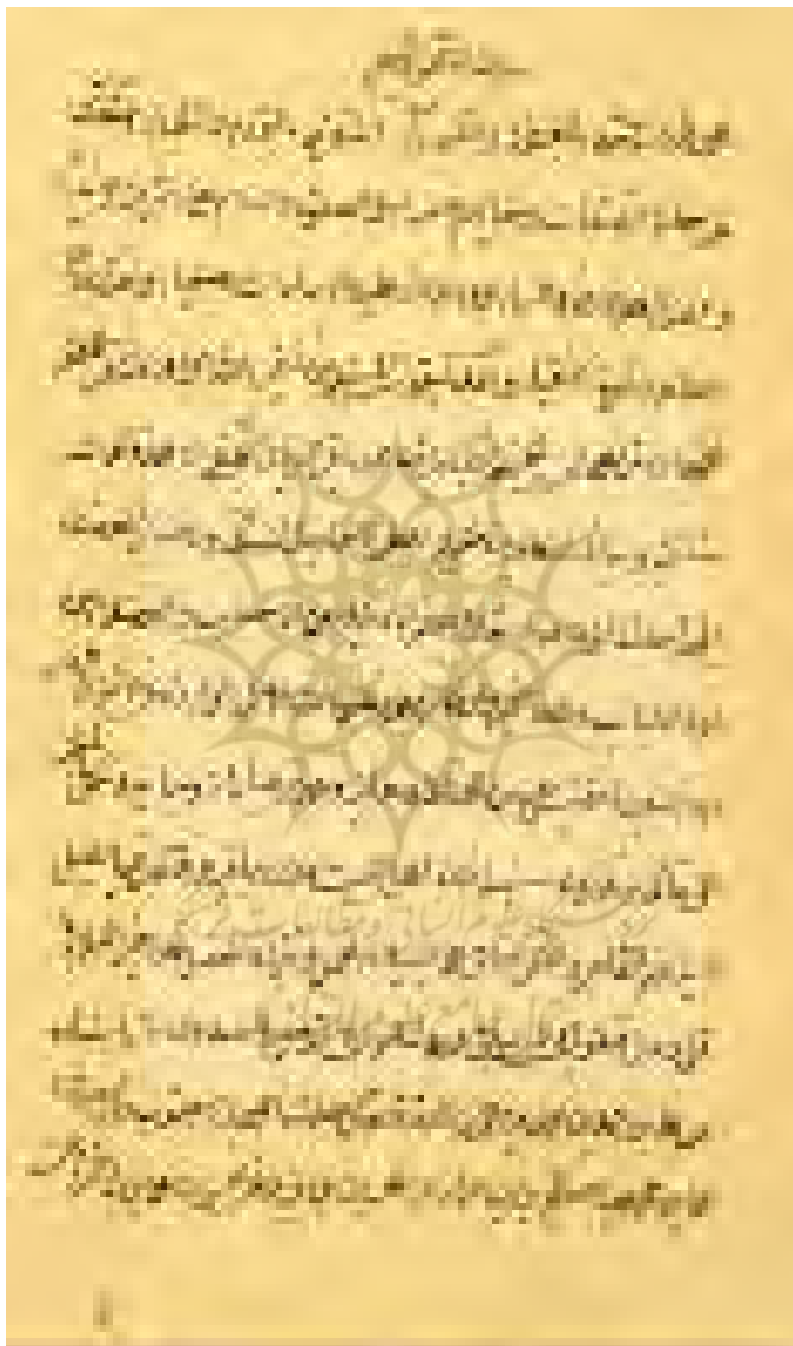
(۱) در برگ‌های: (۱، ۲۷، ۳۸، ۴۴ و ۱۰۴ این مجموعه، نام «محمد باقر طباطبایی یزدی» به عنوان مؤلف ذکر شده است. با توجه به اینکه از ابتدا تا انتهای نسخه، با یک دست خط کتابت شده است، نسخه متعلق به کاتب است که همان مؤلف باشد.



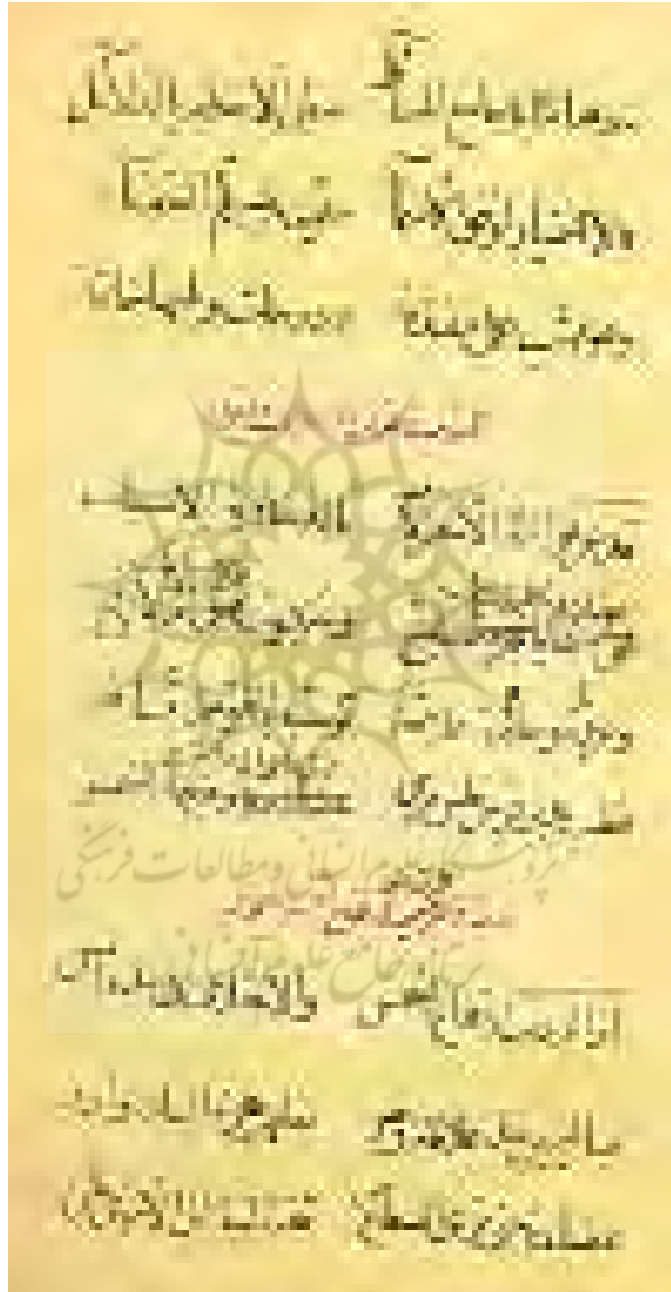
(۲) در بین متن‌هایی که برای بار اول کتابت شده‌اند، مانند همین منظومه مورد بحث، خط‌خوردگی‌های اصلاحی توسط مؤلف با دست خط کاتب (که همان مؤلف است)، بارها تکرار شده است.



۳) رساله دوم این مجموعه، درباره علم عروض است و گویای تسلط مؤلف بر علم عروض و شعر است.

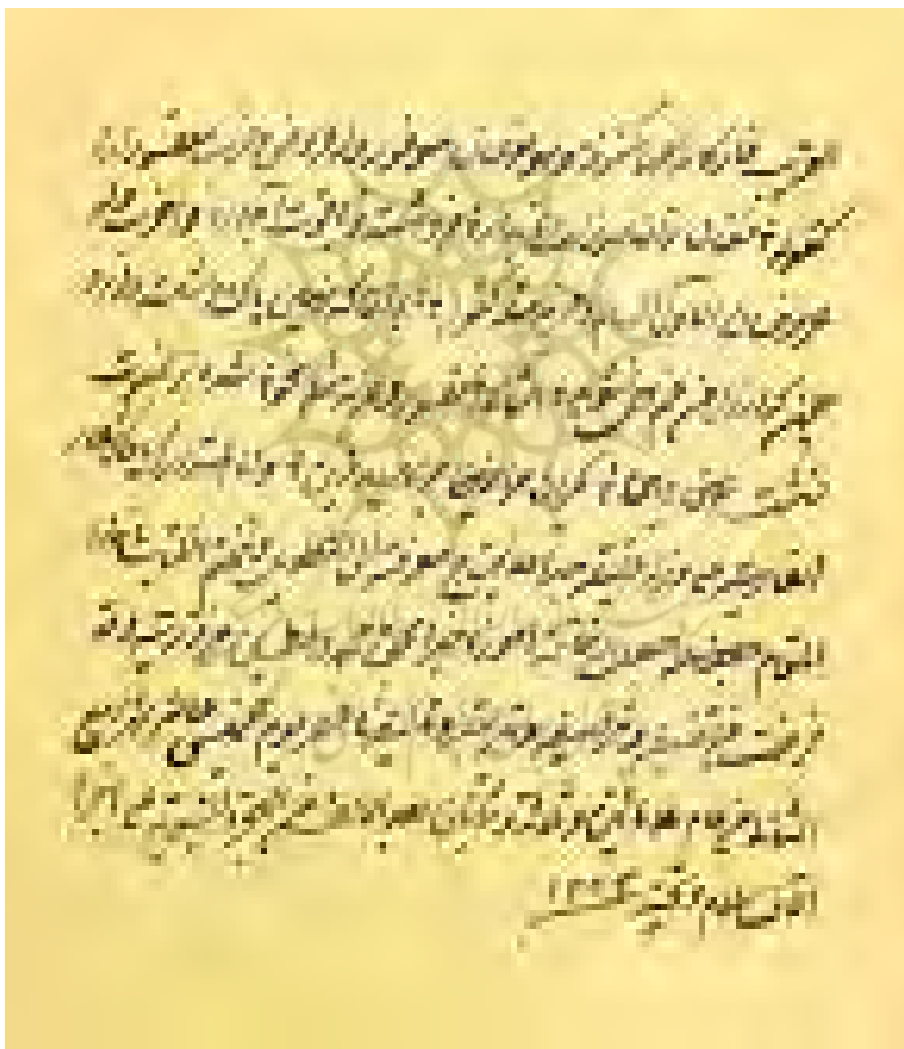


۴) تاریخ پایان کتابت مجموعه-چنانچه در صفحه ۲۷ آمده است- ۱۲۸۳ ق. است و تاریخ درگذشت مؤلف، ۱۲۹۸ ق.



۵) در رساله «سلم السماء» که شعری به زبان عربی درباره اسطرلاب است، ناظم اسم خود را این گونه آورده است:

يقولان من على افترضا	...هوالمسمى باقر بن المرتضى
نجل النبي الطاهر الامين	ثناؤه الشاه جلال الدين
و لم يجد في نظمه كتابا	اراد ان يعرف الاسطرلابا
سميته بسلم السماء...	...ولاختيار اوفق السماء
	تمت المنظومه الشريفه في ١٧ ... ١٢٨٣

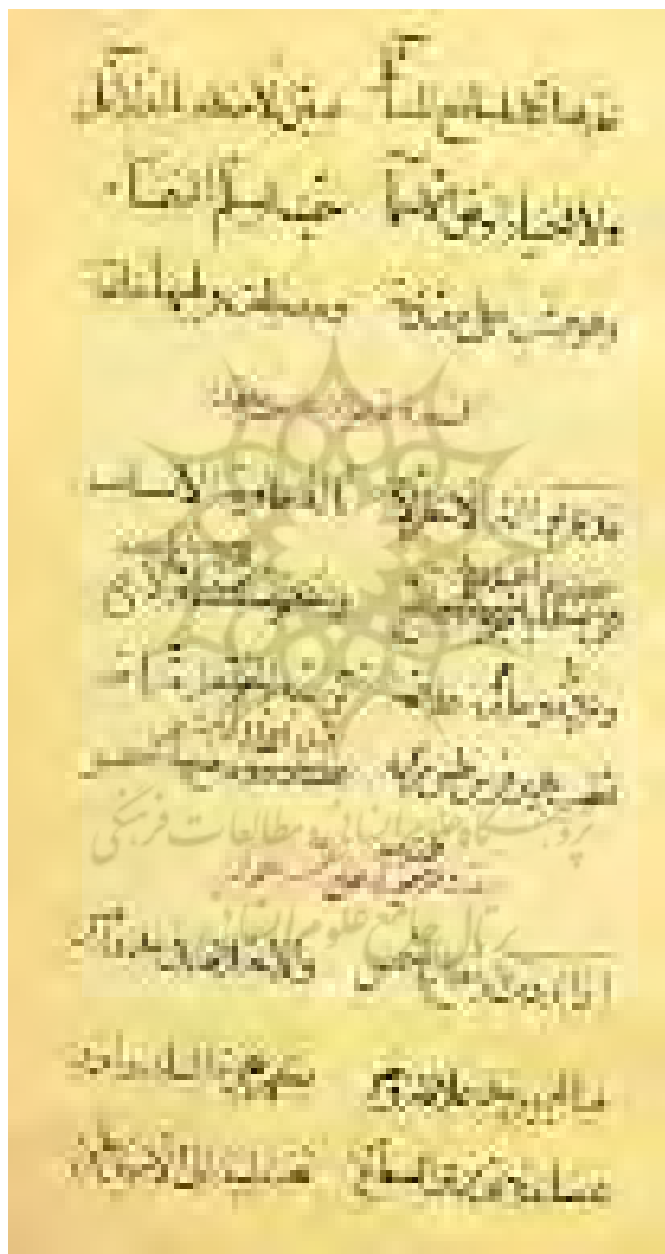


منظومه‌ای در علم رجال / ناهید باقری خرم‌دشتی

۶) کتاب شرح هدایه ملاصدرا که رساله پنجم این نسخه است، بدون خط‌خوردگی از روی نسخه دیگر کتابت شده است؛ چون رونویسی بوده است، نه نسخه اولیه.



(۷) در صفحه ۱۰۴ نسخه در آغاز «شرح بعض الاحادیث المشکلة و الاخبار المعضلة المجللة»، مؤلف نام خود را چنین آورده است: «... و بعد فیقول ... ابن مرتضی الحسنی الحسینی الطباطبائی، محمدباقر الیزدی النجفی...»



با قرآینی که برشمرده شد، این منظومه دست‌نوشته ناظم آن است که همو کاتب نسخه نیز بوده و احتمالاً این نسخه، اولین نگارش این ارجوزه است، اما متأسفانه، انجام این منظومه رجالی ناقص است و ابیات پایانی موجود نیست، از این رو نام شاعر آن هم مجهول مانده است.

شرح حال طباطبایی یزدی

محمد باقر بن مرتضی بن احمد بن حسین بن سامع بن غیاث‌الدین بن محمد مؤمن الطباطبایی الیزدی النجفی (۱۲۵۵-۱۲۹۸ ق.)، روز دهم ذی‌الحجه در یزد به دنیا آمد، مسافرت‌های تحصیلی فراوانی داشت؛ از جمله به عراق، مشهد، یزد، کرمان، کربلا، نجف، هند و تبریز سفر کرد. بخشی از تألیفات وی عبارتند از: حاشیة الفصول، حاشیة قوانین الاصول، حاشیة ریاض المسائل، بدائع الاصول، النهایة فی علم الدراية، ارجوزهایی در: ارث، تجوید، عروض، حساب، بدیع، منطق، اللغة و... وفات او در دوشنبه ۲۷ ربیع الاول رخ داد. این شرح حال در الکرام البرره به نقل از آخر کتاب لوائح اللوحین، به خط خودش در یک نسخه خطی متعلق به کتابخانه مرعشی به شماره ۲۴۷۲ آمده است.^۱

متن منظومه:

بسم الله الرحمن الرحيم

علم الرجال يعرف الرواه به المزیفون و الثقات
موضوعه الرجال ثم الغایة معرفة الاخبار كالدراية

فی الرجوع الی کتاب الرجال

و من یراجع كتب الرجال ليعرف الذوات كالأحوال
يجد كثيرا منها قد تبوت على ثلثة علیها رتب
اسمائهم يذكر فيها و الكنى بعد هما الألقاب ممّا بینا
أذ ربّما عبر عنهم فی السند بما سوى الأسماء مما یستند
كان یقال ابن ابی عمیر او ینسب الابن الی بکیر
مثل البنظلی کذا التلعکبری و قس علیها غیر ما قد ذکرا
و کلّها یذکر فی کالاسماء مرتبا باحرف الهجاء
و لاحظوا الحروف غیر الاولى فأخروا عن جعفر جمیلا

۱. الحسینی، سید احمد، تراجم الرجال، قم، مکتبه آیت... العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۱۰.

و عند ما تشارك الاسماء
فرتّبوا و عند الاتحاد
و لو تشارك الجميع او ترك
لوحظت الكنية فيه كاللقب
و التزموا لناظر الكتاب
فربما يذكر وصف الولد
او عكسه فالحكم بالاهمال
و ينبغي تتبّع الاقوال
فانه مولف ما اكمله
فانظر له في النقد و الوسيط

لوحظ في تميزها الابداء
ينظر للتمييز في الاجداد
اسماء بعض من بحرف يشترك
فقدم التي لها السبق و جب
مروره في سائر الابواب
مدحا و قدحا في ابيه الامجد
لا ينبغي لناظر الرجال
كما تصدى منتهى المقال
لكنما المجهول منهم اهمله
كلاهما كلبّة المحيط

في بعض المميّزات

قد يحصل التمييز بالمكان
و هذه تجمع معا فقدمت
كما اذا يروى عن الحناط
و انما التمييز فيهم ظاهر
و يحصل التمييز للراوى الذى
بل يكتفى بمطلق المصاحبة
و من مميّزاتهم كون الرجل
منها اختصاصه بحسن المعرفة
تحمل الرواية المروية
او خطبا عن الامام و ورد
او ان يقال انه روى الخبر
منها اضطراب في رواية جرى
و غير ما مرّ من الاسباب

و الوصف و الصيغة و الزمان
كصفة عن لقب قد فهمت
و الصيرفى او عن الخياط
ان كان لم تختلف العشائر
شارك من سواه بالتلمذ
لانها تشعر بالمناسبة
من اهل ما به الاحاديث تدلّ
بسادة الخلق و خصت بالصفة
كذا اذا قيل روى قضية
فيها الرواية التي فيها السند
بكثرة اذا اشتراك قد ظهر
ان اثبتوا في بعضهم تكثرا
ميّن في كتب الاصحاب

فی التمییز عند الاشتراک الخطی

عند اشتباه اللفظ بالنظیر	خطا كما تراه فی حریر
مع الحریر و كذا یزید	له نظیر و هو البرید
قد قرّروا ضابطةً متّسقةً	و هی انتسابه باصل الطبقة
و قیل لا هو اسم برمکی	و ابن یزید للجزائری
و الوقف عند صاحب المدارک	معین للضعف فی المدارک

فی ابی بصیر

قد ذكروا ان ابا بصیر	یشمل خمسة لدى التعبير
لیث المرادی و یحیی الازدی	و ابن ابی القاسم یحیی الاسدی
و یوسف بن الحرث و هو یشمل	اربعة لدى كثير يجعل
ثالثهم و الثان واحدا و قد	قیل ثلثة على القول الاسد
و هیؤلاء القوم بعضهم ثقة	و بعضهم لم ار من (فی) قد وثقه
بمقتضى الاصل لدى الترید	الوقف فی الجرح او التسدید

فی عمر بن یزید

عدة عنوان لو راينا لعمر	ابن یزید کلهم راوی الخبر
الصیقل الکوفی فی خج و لجش	الصیقل الذبیان و البیاع کش
و جش صه ابن محمد و فی	خج ثقفی ببیانہ یفی
و الاؤلان واحد و الباقي	لواحد خالف بالوفاق

فی بیان بعض الالفاظ المصطلحه

المدح قد یدل بالمطابقة	على القبول مثل عدل و ثقة
و بالتزام منه استفاد	قبول ما یروی كما افادوا
و عكسه فی كل ما علیه دل	مثل صحیح الخبر الذی نقل
او اجمع الكل على تصحیح ما	یصح عن (عیدك هو) لكل منهما
یشعر بالتوثیق ام لا و یدل	على الهدی و الغی ام لا فکمل

ما قوة المتن به تستشعر
و هو فهيم طبقه تعاد
ما ليس بالمقام فيه مدخل
هانان قيل عدل ضابط من خذتها
فى ثالث كذاك ما تقدمه
من اول الالفاظ بالتدقيق
يفهم ان اللى بهذى مطلقة
و قيل بل من خارج يراد
فالقول بالتخصيص لا يعتبر
اطلاق ما دل على الكمال
او واقف او هو ناووسى
ان لم يكن لواحد مرجح
ما اثبت التعديل قيل معتبر
كون معدل على الاثنى عشر
فاحكم له بكل حكم يقتضى
فالضبط و الايمان منه استظهر
به لما يزعمه دليلا
الحسن فى الاسناد منه لائح
كمثل قولهم فهيم حافظ
تصحیح ما يصح عنه قد جلا
و قيل توثيق لمن له اشتهر
كانما توثيقه ايضا قوى
جمهورهم (بعضهم) ان صح من بدايته

عشر و اثنان فاما يذكر
مثل فقيه ذهنه و قاد
او لا كذاك المدح ايضا يشمل
و لا خلاف فى الوثوق عندنا
يعنى الامامى و اثبت عدمه
و يمكن استفاد التوثيق
فى جش امامى و عدل من ثقة
و قيل منها الضبط يستفاد
ام لا و هى الاختصاص اظهر
و قد برير فى كتب الرجال
ثم يقال هو جارودى
و الجمع اولى حين ما يصرح
و جرح غيرنا لمن فيه ظهر
و اختلفوا فى انه يعتبر
و غير ما مر من التعارض
و ان تقيّد ثقة بالخبر
و البهيمانى يرى التعديلا
و مثل خير كذاك صالح
و قوة المتون قد تلاحظ
فى قولهم قد اجمع الكل على
لبعض اهل الفن صحة الخبر
و قيل توثيق لمن عنه روى
و رجح التصحيح فى روايته